Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry
Vol. 4/ No. 1/ Spring 2017
Page: 26-37

Relationship between family function and identity styles in high school female students in Karaj

Seyedeh Zahra Kazemi Khoban[1*], Seyed Aziz Chaboki[2]
1- PHD student, health Psychology, Islamic Azad University- Karaj Branch, Karaj, Iran
(Corresponding author) Email: zkazemi.61@yahoo.com
2- PHD student, General Psychology, Islamic Azad University- Karaj Branch, Karaj, Iran

Abstract

Introduction: The purpose of this study is to understand the relationship between family function and identity styles of female high school students in Karaj.

Methods: Thus, 300 girl students of Karaj city have been collected trough cluster random sampling method. In order to collect information in this research, Berzonsky identity style inventory (ISI) and Bloom family functioning scale (FFS) have been used.

Results: The results show that there is significant positive relationship between family function and identity style. The results of regression analysis particularly highlight that 10% of the students' informational identity can be predicted and affected by family functions. Family functioning to predict informational style is significant in three subscales, namely organizing, cultural trends, and tendencies of taste and entertainment.

Conclusion: The results shown that there is relationship between identity styles in high school female students in Karaj and family function..

Keywords: identity style, family functioning, informational identity style

مجله روانشناسی و روان پزشکی شناخت
سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶
صفحات: ۳۷-۲۶

رابطه عملکرد خانواده و سبکهای هویت در دانش‌آموزان دختر دبیرستانهای شهرکرج

سیده زهرا کاظمی خوبان*[1]، سید عزیز چابکی[2]
۱- دانشجوی دکتری، روانشناسی سلامت، دانشگاه آزاد کرج، کرج، ایران (نویسنده مسئول)
۲- دانشجوی دکتری، روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد کرج، کرج، ایران

چکیده

مقدمه: هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه عملکرد خانواده و سبکهای هویت در دانش‌آموزان دختر دبیرستانهای شهر کرج ا ست.

روش: بدین منظور نمونه‌ای شامل ۳۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر شهر کرج به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از پرسش‌نامه‌ی سبک هویت برزونسکی (ISI) و پرسش‌نامه‌ی عملکرد خانواده‌ی بلوم (FFS) استفاده شده است.

یافته‌ها : نتایج پژوهش نشان می‌دهند که میان دو متغیر عملکرد خانواده و سبکهای هویت به جز در سبک هویت سردرگم یا اجتنابی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد، در این خصوص نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که ۱۰ درصد از سبک هویت اطلاعاتی دانش‌آموزان را با توجه به کارکردهای خانواده می‌توان پیش‌بینی نمود. کارکرد خانواده برای پیش‌بینی سبک هویت اطلاعاتی در سه خرده مقیاس سازماندهی و گرایش فرهنگی وگرایش ذوقی و سرگرمی معنادار شد.

نتیجه‌گیری: بین سبکهای هویت در دانش‌آموزان دختر دبیرستانهای شهر کرج و عملکرد خانواده رابطه وجود دارد.

کلید واژه‌ها : عملکرد خانواده، سبکهای هویت، سبک هویت اطلاعاتی

[دریافت مقاله: پذیرش مقاله:]

مقدمه

نوجوانی به دوره‌ای از رشد یا تحول اطلاق می‌شود که بین کودکی و بزرگسالی است و غالباً یک دوره‌ی انتقالی تلقی می‌شود. این دوره همراه با تغییرات عمده‌ی جسمانی، شناختی، اخلاقی و اجتماعی است که غالباً از حدود ۱۲-۱۱ سالگی شروع می‌شود و در بسیاری از کشورهای صنعتی جهان در سن ۲۰ سالگی یا حتی دیرتر خاتمه می‌یابد (احدی و جمهری، ۱۳۹۴). در دوران نوجوانی، کودکان به کشف استقلال خود می‌پردازند و به عبارت دیگر، خود را حس می‌کنند. آن‌هایی که از طریق کاوش‌های شخصی، تشویق و پشتیبانی مناسبی دریافت کنند، این مرحله را با حس استقلال و کنترل و نیز حسی قوی نسبت به خود پشت سر می‌گذارند. کسانی که نسبت به باورها و تمایلات خود نامطمئن بمانند، درباره خود و آینده نیز نامطمئن و گم‌گشته خواهند بود. در مرحله نوجوانی هویت در برابر پراکندگی هویت، بسته به این است که فرد بحران های قبلی دوره کودکی را چگونه حل کرده است. بودن احساس اعتماد، استقلال عمل، ابتکار و تسلط، استقرار یک احساس منسجم هویت دشوار است (شوارتز، زامبونگا، ویسکرچ و ونگ[1]، ۲۰۱۰).

مک دریک[2](۲۰۱۱) شکل‌گیری هویت را به منزله فرایندی پویا و سازش یافته می‌داند که مادام‌العمر با تغییرات در میزان اکتشاف ارزشها، باورها و تعهد نسبت به آنها همراه است. از نظر اریکسون، هویت شخصی بیانگر اهداف، ارزشها، و باورهای فرد است. در نظریه اریکسون انسجام هویت و سردرگمی هویت به منزله دو پیامد بالقوه فرایند تحول هویت در نظر گرفته شده است (شوارتز، میسن، پانتن و شاپوچنیک[3]، ۲۰۰۹).

از جمله مسائل مهمی که در زمینه دانش‌آموزان دبیرستانی می‌بایستی بدان توجه ویژه‌ای داشت رفتارهای بهداشتی آن‌هاست. توجه به رفتارهای بهداشتی در دورهٔ نوجوانی به دو دلیل از اهمیت بالایی برخوردار است. اولاً چندین عامل مرگ و بیماری در دورهٔ نوجوانی با رفتارهای نوجوانان ارتباط دارند؛ ثانیاً، دورهٔ نوجوانی مرحله مهم گذر از دوره تحت کنترل والدین به مرحله استقلال است. نوجوانان و جوانان معمولاً در معرض تغییرات شدید شرایط اجتماعی می‌باشند که در سالهای اخیر رخ داده‌اند. این تغییرات می‌توانند تأثیر عمیقی روی سلامتی و رفتارهای آسیب‌زا و پرخطر داشته باشند. با توجه به ویژگی‌های خاص دورهٔ نوجوانی و همراهی این دوره با رفتارهای مشکل‌دار و نیز اهمیت دوره نوجوانی در سلامت و توسعه جامعه این دوره می‌تواند زمینه منحصر به فردی در بررسی رفتارهای بهداشتی و مرتبط با سلامت باشد. لذا در برخی از کشورها به صورت منظم و دوره‌ای به بررسی رفتارهای پرخطر در سنین نوجوانی و جوانی به ویژه در دانش‌آموزان دوره دبیرستان پرداخته می‌شود (بخشانی، لشکری پور و حسینی بر، ۱۳۸۶).

یکی از مهمترین مواردی که در زمینه بحث نوجوانی همواره مطرح بوده است، هویت می‌باشد. هویت مبتنی بر آگاهی منحصر به فرد انسان از این امر است که ما به گونه‌ای از هر انسان دیگر متمایز هستیم. در مطالعه شخصیت انسان، هویت یک جنبه اساسی و درونی بوده که با کمک آن احساس تداوم و یکپارچگی به فرد می‌دهد. هویت مفهوم ذهنی فرد از خودش می‌باشد و با عناوینی چون هویت شخصی، هویت اجتماعی، هویت قومی، هویت جنسی و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرد (ریبر[4]، ۲۰۰۱).

1. Zamboanga, Weisskirch & Wang
2.Mckendrick
3. Schwartz, Mason, Pantin & Szapocznik
4 . Reber

اریکسون[5] در زمینهٔ هویت بر اهمیت بافت اجتماعی تاکید می‌کند، زیرا بافت اجتماعی چیزی برای جستجو ارائه می‌کند که می‌تواند حقیقت داشته باشد. شکل‌گیری هویت ترکیب مهارتها، جهان‌بینی و همانند سازی‌های دوران کودکی است که به صورت یک کل منسجم منحصر به فرد در می‌آید که برای نوجوانان احساس تداوم گذشته و جهت‌گیری برای آینده را فراهم می‌کند (کروگر[6]، ۲۰۰۰). همانطور که گفته شد هویت منحصر به فرد بودن انسان بوده و این احساس منحصر به فرد بودن احساس مسئولیت عمیقی را به همراه دارد مبنی بر این که ما از وجودمان چه می‌خواهیم بسازیم (پروچسکا و نوراکراس[7] ترجمهٔ سید محمدی، ۱۳۹۰). و همچنین می‌توان گفت ایجاد یک هویت و دستیابی به یک تعریف منسجم از خود، مهمترین جنبه رشد علوم اجتماعی در دوره نوجوانی است، انتخاب ارزشها، باورها و هدفهای زندگی مهمترین مشخصه‌های اصلی این هویت را تشکیل می‌دهند. هم در دوره نوجوانی و هم در دوره جوانی این ارزشها، باورها و هدفهای زندگی مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرند. شکل‌گیری هویت در نوجوانی با خودپنداره، عزت نفس و مسئولیت‌پذیری فرد رابطه‌ای جدایی ناپذیر دارد.

خانواده از ارکان عمده و نهادهای اصلی هر جامعه و یکی از طبیعی‌ترین گروههایی است که می‌تواند نیازهای مادی، عاطفی، تکاملی و همچنین نیازهای معنوی انسانها را بر طرف نماید. این واحد اجتماعی مبدا بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط و تعاملات بین فردی است اهمیت خانواده به اندازه است که سلامت و بالندگی هر جامعه وابسته به سلامت و رشد خانواده‌های آن است و هیچ یک از آسیبهای اجتماعی فارغ از تاثیر خانواده پدید نیامده است. (عمادی، ۱۳۹۲). خانواده به عنوان یک منبع هویت سازی و قوی‌ترین نهادی که امر جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها را بر عهده داشته، در گذار از تحولات جهانی شدن، ساختار و کارکردهای سنتی خود را از دست داده و به نوعی نابسامانی و ضعف دچار شده است. فرایند جهانی‌شدن از طریق نفوذپذیر ساختن مرزهای جغرافیایی و فرهنگی و گسترش چشمگیر فضای اجتماعی و نسبی کردن ارزش‌ها، شرایط و منابع لازم را برای هویت‌سازی تا حدود بسیار زیادی از بین می‌برد. به این ترتیب با نسبی شدن ارزش‌ها و سنن اجتماعی که به واسطه خانواده انتقال می‌یافت، نوعی بحران هویت و معنا پدید می‌آید و زمینه شکل‌گیری هویت‌های سست و شکننده را در خانواده‌های هسته‌ای به‌وجود می‌آید (گل محمدی، ۱۳۸۲).

اریکسون معتقد بود که مرحله نوجوانی که از سن ۱۲ تا ۱۸ سالگی است، دوره‌ای بسیار مهم و بحرانی است زیرا در این زمان است که سؤال اساسی فرد در مورد هویت خود مطرح می‌شود که باید حل شود. اریکسون بر این باور است که شکل‌گیری و پذیرش هویت فرد تکلیفی کاملاً دشوار و اضطراب‌زاست که‌در آن نوجوان باید نقش‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف را برای انتخاب مناسب‌تر تجربه کند و یا بیازماید. افرادی‌که از این مرحله مشکل با یک احساس هویت قوی بیرون می‌آیند، آماده هستند تا به یک احساس بسط یافته از اطمینان به خود و اعتماد به نفس با بزرگسالی آتی خود روبرو شوند. افرادی که نتوانند به یک هویت منسجم دست یابند، افرادی که یک بحران هویت را تجربه می‌کنند، چیزی را نشان می‌دهند که اریکسون آن را"ابهام نقش" می‌نامد. آنها نمی‌دانند که کیستند و یا چه هستند، به کجا تعلق دارند و یا به کجا می‌خواهند بروند، در نتیجه ممکن است از مسیر بهنجار

5 . Erikson
6 . Kroger
7. Prochaska & Norcross

زندگی، تحصیل، شغل و ازدواج کناره‌گیری کنند و در جستجوی یک هویت منفی باشند. (شولتز و شولتز[8]، ترجمه کریمی، ۱۳۹۲).

در نظریه مارسیا[9] (۱۹۶۶) عیارهای دستیابی به هویت کامل بر اساس دو متغیر کلی است که قبلاً توسط اریکسون به‌نام" بحران(جستجو) و تعهد"شناسایی شده است(سیف،۱۳۸۱). مارسیا با ترکیب حضور یا فقدان این معیارها (عبور از بحران و کسب تعهد) چهار پایگاه هویت را مشخص کرد: الف: پایگاه هویت موفق (فرد بحران را پشت سر گذاشته و دارای تعهد است). ب: پایگاه هویت تعلیق (فرد در دوره بحران است و تعهدی ایجاد نکرده است). ج: ایگاه هویت زودرس (فرد بحرانی نداشته، اما دارای تعهد است). د: پایگاه هویت سردرگم (فرد درحال حاضر نه بحران دارد و نه دارای تعهد است). این پایگاه‌ها نتیجه دوران بحران هویت و چهارگونه متفاوت شکل‌گیری آن هستند. هر فرد در اواخر نوجوانی (۲۲-۱۸ سالگی) باید پایگاه هویت مستقلی داشته باشد(پاپالیا[10]، ۱۳۹۴).

به اعتقاد ستیر[11](۲۰۰۰) آینده نیازمند انسانی با مسئوولیت بیشتر است که توانایی انتخاب داشته باشد. به همین جهت با انجام و استفاده از چنین پژوهشهایی ممکن است بتوان با دادن آگاهی به والدین و خانواده‌ها در زمینه تامین سلامت و بهداشت روانی نوجوان و هویت‌یابی موفق آنها گام برداشت (بیرشک، ۱۳۸۷).

روش

این تحقیق از نوع تحقیقات همبستگی است. در این پژوهش سازه عملکرد خانواده به عنوان متغیر پیش بین و سبکهای هویت به عنوان متغیر ملاک یا پیش‌بین شونده در نظر گرفته شده است.

جامعه تحقیق شامل کلیه دانش‌آموزان دختر که در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ در دبیرستان‌های استان البرز شهر کرج در ۳ ناحیه به صورت رسمی، مشغول تحصیل هستند.

نمونه شامل ۳۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی دختر ۱۸-۱۵ ساله می‌باشد که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای، انتخاب شدند، بدین صورت که ابتدا از بین شهرستان‌ها، شهر کرج و مناطق آموزش و پرورش منطقه ۳ کرج به صورت تصادفی انتخاب و سپس از این منطقه، سه دبیرستان که از هر پایه دو کلاس به تصادف انتخاب و در پژوهش شرکت داده شدند.

ابزارهای پژوهش

در این پژوهش برای سنجش عملکرد خانواده از پرسشنامه عملکرد خانواده[12] بلوم و برای سنجش هویت نوجوان از پرسشنامه سبک هویت[13] برزونسکی استفاده شد.

مقیاس عملکرد خانواده (FFS)

در این پژوهش برای سنجش عملکرد خانواده از مقیاس عملکرد خانواده استفاده می‌شود که یکی از ابزارهای جامع برای ارزیابی سیستم درونی خانواده است و توسط برنارد بلوم[14] (۱۹۸۵) تدوین شده است. این مقیاس، اولین بار به وسیله نجمی (نجمی بدرالدین، ۱۳۷۵) به فارسی ترجمه شده، بلوم برای ارزیابی نظام درونی عملکرد خانواده و با توجه به ضرورت مطالعه خانواده به عنوان یک کل و نیز به عنوان مهمترین پایگاه تربیت، مقیاسی را تهیه و تدوین نمود. این آزمون دارای ۷۵ عبارت توصیفی درباره ویژگیهای خانوادگی است که بلوم آنها را ضمن انجام تحلیل عاملی در ۱۵

8 . Schultz & Schultz
9 . Marcia
10 . Papeliya
11 . Satir

12. Identity Style Inventory
13 . Family Function Scale
14. Bernard Bloom

حیطه که به طور معنی‌دار مستقل از هم بودند طبقه‌بندی نمود. این مقیاس معتبر عملکرد خانواده به وجود آمد. به عبارتی بلوم توانست با به کارگیری ۴ مقیاس رایج مقیاس FFS را طراحی نماید.

مقیاسهای به کار رفته عبارتند از:

۱- مقیاس محیط خانواده (FES) که در سال ۱۹۷۴ توسط ماوس و ماوس به شیوه صحیح- غلط و با ۹۰ آیتم طراحی شد و کلا جو اجتماعی خانواده را ارزیابی می‌نمود و ابعاد روابط میان فردی اعضا، رشد شخصی و بقای نظام خانواده را مورد توجه قرار می‌داد.

۲- مقیاس خانواده پنداری (FCQS) که در سال ۱۹۶۵ توسط واندوین در یک مجموعه ۹ گزینه‌ای از کمترین علاقه به خانواده‌ام تا بیشترین علاقه به خانواده-ام تدوین شده است.

۳- سومین مقیاس که در سال ۱۹۷۹ توسط السون، اسپرانکل و راسل تهیه شده بود و همبستگی و انعطاف‌پذیری را به عنوان دو بعد اصلی که جوهره اساسی عملکرد خانواده را تشکیل می‌دهد تدوین شد.

۴- ابزار چهارمی که بلوم برای تهیه پرسشنامه خود به کار گرفت توسط اسکینر و همکارانش در سال ۱۹۸۳ با نام ابزار ارزیابی خانواده (FAM) مشتمل بر ۳ مقیاس با عبارتهای ۴ گزینه‌ای از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق، تدوین شد. مقیاس اول با ۵۰ عبارت که خانواده را به عنوان یک کل توصیف می‌کند، مقیاس دوم با ۴۲ عبارت که روابط بین زوجها را در خانوداه توصیف می‌کند و مقیاس سوم شامل ۴۲ عبارت که روابط فرد پاسخگو به درون خانواده را ارزیابی می‌نماید (بلوم، ۱۹۸۵). بلوم پس از بررسیهای متعدد و انجام یک سری مطالعات مقدماتی در رابطه با مقیاسهای فوق توانست آزمون خود را در ۱۵ زیرمقیاس به عنوان ابعاد اصلی مقیاس عملکرد خانواده معرفی نماید.

مقیاس عملکرد خانواده (FES) که یکی از ابزارهای جامع برای ارزیابی سیستم درونی خانواده است توسط برنارد بلوم (۱۹۸۵) تدوین شده است. این مقیاس شامل ۷۵ عبارت توصیفی درباره نقش‌های خانواده است که بلوم آنها را ضمن انجام تحلیل عاملی در ۱۵ حیطه طبقه‌بندی نمود این ابعاد پانزده گانه به طور قابل قبولی از یکدیگر جدا هستند. تلاشهای اولیه برای اعتباریابی آن با به کارگیری نمرات به دست آمده از توصیف‌های خانواده سالم و مختل به دلیل جدایی یا طلاق انجام گرفت که در نتیجه آن تفاوت معنی‌داری بین دو گروه خانواده در ۱۲ بعد از ۱۵ بعد عملکرد خانواده به دست آمد (بلوم،۱۹۸۵).

آزمون عملکرد خانواده یک ابزار خود توصیفی به شمار می‌رود که باید توسط آزمودنی تکمیل شود. این مقیاس مربوط به ویژگیهای خانواده است که برای هر عبارت گزینه‌هایی در نظر گرفته شده است. در برخی از پژوهش‌ها چهارگزینه و در برخی دیگر پنج گزینه در نظر گرفته شده است.

مقیاس بلوم دارای ۱۵ زیر مقیاس است که هر زیرمقیاس ۵ عبارت را در بر می‌گیرد، بدین ترتیب از عبارت ۱ تا ۷۵ به ترتیب خرده مقیاسهای زیر را دربر می‌گیرد:

۱- همبستگی؛ ۲- ابراز و بیان خود؛ ۳- تضاد و تعارض؛ ۴- گرایش ذوقی- سرگرمی؛ ۵- گرایشهای فرهنگی-عقلانی؛ ۶- تاکیدات مذهبی؛ ۷- سازماندهی؛ ۸- جامعه‌پذیری؛ ۹- منبع کنترل بیرونی؛ ۱۰- آرمان خانوادگی؛ ۱۱- گسستگی؛ ۱۲- سبک خانواده آزادمنش؛ ۱۳- سبک خانواده بی قیدوبند؛ ۱۴- سبک خانواده مستبد؛ ۱۵- به هم تنیدگی (عمادی،۱۳۹۲).

ویژگیهای روان سنجی

پایایی: پایایی(اعتبار) پرسشنامه از طریق همسانی درونی سوالات (آلفای کرنباخ) مورد ارزیابی قرار گرفت.

با توجه به این که این پژوهش برای هنجاریابی پرسشنامه مورد نظر انجام گرفته و با توجه به ماهیت موضوع، بحث هم خوانی و ناهم خوانی با پژوهشهای انجام گرفته مطرح نیست تا گزارش شود که نتایج با کدام یک هم خوان و با کدام یک ناهمخوان است، اما با این وجود نتایج آلفای کرنباخ پژوهشهای قبلی که این پرسشنامه را استفاده کرده‌اند در این جا آورده شده است. قابل ذکر است پرسشنامه عملکرد خانواده بلوم فقط در پژوهشهای قبلی با توجه به اهداف پژوهشی پژوهشگر استفاده شده است (عمادی،۱۳۹۲).

پرسشنامه سبک هویت برزونسکی (ISI)

در این پژوهش برای سنجش جهت‌گیری هویت از پرسشنامه سبک هویت برزونسکی استفاده می‌شود. پرسشنامه سبک هویت به منظور ارزیابی جهت‌گیری هویت افراد توسط برزونسکی[15] در سال ۱۹۸۹ ساخته شده است و درسال ۱۹۹۲ مورد تجدید نظر قرار گرفت. این آزمون یک ابزار خود گزارشی ۴۰ عبارتی است که از ۴ زیر مقیاس تشکیل شده است که ۳ تا از آنها شامل سبکهای هویت و چهارمین زیر مقیاس مربوط به تعهد است (غضنفری، احمد. ۱۳۸۳).

زیر مقیاسهای پرسشنامه سبک هویت عبارتند از:

۱- زیر مقیاس **جهت‌گیری اطلاعاتی** که دارای ۱۱ عبارت است؛ برزونسکی اظهار کرده است افرادی که در این مقیاس نمره بالایی کسب می‌کنند، تنها پس از جمع‌آوری اطلاعات و بررسی گزینه‌های ممکن مورد پردازش اطلاعات تصمیم‌گیری می‌کنند.

۲- زیر مقیاس **جهت‌گیری هنجاری** که دارای ۹ عبارت است؛ افرادی که در این مقیاس نمره بالایی کسب می‌کنند، بدون تفحص و بررسی از قوانین و هنجارهایی که از والدین، همسر یا دوستشان وضع کرده است، پیروی می‌کنند.

۳- زیر مقیاس **جهت‌گیری سردرگم/اجتنابی** که دارای ۱۰ عبارت است؛ افراد دارای جهت‌گیری سردرگم/اجتنابی تصمیم‌گیری را تا حد ممکن به تاخیر و تعویق می‌اندازند.

۴- زیرمقیاس **تعهد**، که این مقیاس هم از ۱۰ عبارت تشکیل شده است نشان می‌دهد که آزمودنی به چه میزان نسبت به مذهب، سیاست و رشته تخصصی خود احساس تعهد می‌کند. آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ایی (۱= اصلا شبیه من نیست، ۵= کاملا شبیه من) مشخص سازد که هر یک از عبارات ذکر شده تا چه حد نشان دهنده ویژگیهای شخصیتی وی است.

ویژگیهای روان سنجی

اعتبار خارجی: اعتبار همگرای پرسشنامه از طریق همبستگی آن با مقیاس وضعیت هویت بنیون و آدامز[16] (۱۹۸۶) به اثبات رسید. نتایج نشان داد که هویت کسب شده با زیر مقیاس جهت‌گیری اطلاعاتی و تعهد و هویت تاخیری با زیرمقیاسهای تعهد، جهت‌گیری هنجاری و جهت‌گیری سردرگم/اجتنابی همبستگی دارد.

اعتبار ایرانی: در پژوهش غضنفری به منظور ارزیابی پرسشنامه سبک هویت، این آزمون و مقیاس سلامت عمومی گلدبرگ (GHQ-28) به طور همزمان به آزمودنی‌ها داده شد. ضرایب همبستگی بین نمره‌های آزمودنیها در سه سبک هویت و مقیاس سلامت عمومی و مقیاسهای فرعی آن بیانگر اعتبار پرسشنامه سبک هویت است.

15 . Berzonsky

16 . Adams & Benuon

یافته‌ها

برای بررسی وجود یا عدم وجود رابطه معنادار میان دو متغیر عملکرد خانواده و سبکهای هویت از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود که نتایج آن در ادامه خواهد آمد.

جدول ۱: ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون برای عملکرد خانواده و سبکهای هویتی

مولفه‌ها	اطلاعاتی		هنجاری	اجتنابی/سردرگم	تعهد
ابراز خود	۰/۲۴**	✓	۰/۳۶**	-۰/۰۹	۰/۲۸**
تأکیدات‌مذهبی	۰/۰۰۹		۰/۰۷	۰/۰۷	-۰/۰۵
تضادوتعارض	۰/۲**		۰/۲**	-۰/۰۲	۰/۱۷**
سازماندهی	۰/۲۶**		۰/۳۵**	-۰/۲۸**	۰/۴**
جامعه‌پذیری	۰/۲۱**		۰/۲۲**	-۰/۱۴*	۰/۲۴**
منبع‌کنترل بیرونی	۰/۲**		۰/۲۷**	-۰/۱۳*	۰/۲۸**
آرمان خانواده	۰/۲**		۰/۲۷**	-۰/۱۴*	۰/۲۵**
گسستگی	۰/۱۱**		۰/۱۴*	-۰/۱۵**	۰/۱۶**
سبک آزادمنش	-۰/۱۶*		۰/۲۲**	-۰/۱۴*	۰/۱۹**
سبک بی‌قید	۰/۱۶**		۰/۲۹**	-۰/۱۵*	۰/۲۶**
سبک مستبد	۰/۱۹**		۰/۲۶**	-۰/۱۸**	۰/۳۴**
بهم تنیدگی	-۰/۰۹		۰/۰۵	-۰/۰۷	
				۰/۰۳	
گرایش‌ذوقی‌وسرگرمی	۰/۲**		۰/۱	۰/۰۸	۰/۱
گرایش‌فرهنگی	۰/۲**		۰/۳**	۰/۰۴	۰/۱۶*
همبستگی	۰/۲۱**		۰/۳**	۰/۱۵*	۰/۳**

**P<۰/۰۱ *P<۰/۰۵

براساس نتایج جدول فوق میان برخی خرده مقیاس‌های عملکرد خانواده و خرده مقیاس‌های سبکهای هویتی رابطه معناداری برقرار است و به عبارت دیگر فرض صفر H_0 رد و فرض خلاف H_1 تایید می‌شود و البته بجز خرده مقیاس جهت‌گیری اجتنابی که رابطه معکوس (منفی) وجود دارد سایر روابط مثبت و متوسط گزارش می‌شود.

جدول ۲: ضریب همبستگی چندگانه بین ابعاد عملکرد خانواده و سبک هویت اطلاعاتی

گامها	متغیر پیش‌بین	ضریب همبستگی چندگانه	مجذورضریب همبستگی چندگانه	مجذورضریب همبستگی چندگانه تعدیل‌شده	خطای استاندارد برآورد	ضریب F	معنی‌داری
۱	سازماندهی	۰/۲۶	۰/۰۷	۰/۰۷	۶	۱۹	۰۰۰
۲	گرایش فرهنگی	۰/۳۰	۰/۰۹	۰/۰۸	۶	۱۲	۰۰۰
۳	گرایش‌ذوقی‌وسرگرمی	۰/۳۲	۰/۱	۰/۰۹	۶	۹/۵	۰۰۰

جدول۳: ضرایب استاندارد و غیراستاندارد پیش بینی سبک هویت اطلاعاتی ازطریق مؤلفه‌های عملکردخانواده در رگرسیون گام به گام

گامها	مقادیر ثابت و پیش‌بین	ضریب بتای غیراستاندارد	خطای استاندارد	ضریب بتای استاندارد	مقدارt	معنی داری
۱	مقدارثابت	۲۶	۲		۱۲/۳	۰۰۰
	سازماندهی	۰/۵	۰/۱	۰/۳	۴/۳	
۲	مقدارثابت	۲۳	۲/۶		۸/۶	۰۰۰
	سازماندهی	۰/۴	۰/۱	۰/۲	۳/۷	۰۰۰
	گرایش فرهنگی	۰/۳	۰/۱	۰/۱۴	۲/۲	۰/۰۲
۳	مقدارثابت	۲۰	۳		۷	۰۰۰
	سازماندهی	۰/۴	۰/۱	۰/۲	۳	۰/۰۰۱
	گرایش فرهنگی	۰/۳	۰/۱	۰/۱۳	۲	۰/۰۳
	گرایش ذوقی وسرگرمی	۰/۳	۰/۱۲	۰/۱۳	۲	۰/۰۴

چنانکه نتایج ارائه شده در جدول‌های ۲ و ۳ نشان می‌دهد، از بین مؤلفه‌های عملکرد خانواده، بعد سازماندهی در گام اول با توان تبیین واریانس ۷ درصد و گرایش فرهنگی با توان تبیین واریانس انحصاری افزوده معنادار ۲ درصد درگام دوم و گرایش ذوقی و سرگرمی نیز با توان تبیین واریانس انحصاری افزوده معنادار ۱ درصد در گام سوم، قادر به پیش‌بینی نمره سبک هویت اطلاعاتی هستند. بر این اساس، سؤال پژوهش حاضر به این شکل پاسخ داده می‌شود که در گام اول، سازماندهی با ضریب بتای استاندارد ۰/۳، در گام دوم سازماندهی به همراه گرایش فرهنگی با ضرایب بتای استاندارد ۰/۲- و ۰/۱۴ و در گام سوم نیز سازماندهی به همراه گرایش فرهنگی و گرایش ذوقی و سرگرمی با ضرایب بتای استاندارد ۰/۲- و ۰/۱۳ و ۰/۱۳ قادر به پیش بینی کیفیت زندگی کاری کلی هستند. براساس نتایج ارائه شده در جدول ۷ و ۸ معادله رگرسیون پیش‌بینی گام به گام در گام سوم برای پیش-بینی کیفیت زندگی کاری کلی به شرح زیر است:

۲۰+ (سازماندهی) (۰/۴)- (گرایش فرهنگی) ۰/۳+ (گرایش ذوقی و سرگرمی) (۰/۳)= سبک هویت اطلاعاتی

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که میان دو متغیر سبکهای هویت و عملکرد خانواده رابطه معناداری وجود دارد. در نتایج تحلیل رگرسیون نیز یافته‌ها نشان داد که ۷ درصد از سبک هویت اطلاعاتی دانش‌آموزان را با توجه به کارکردهای خانواده می‌توان پیش‌بینی نمود البته این پیش‌بینی با توجه به سطح معناداری بدست آمده فقط در سه خرده مقیاس سازماندهی، گرایش فرهنگی و گرایش ذوقی و سرگرمی قابلیت پیش‌بینی دارد و به عبارت دیگر تنها این سه خرده مقیاس در معادله رگرسیون می‌تواند سبک هویت اطلاعاتی دانش‌آموزان در آینده را پیش-بینی نمایند.

در تبیین این نتایج بدست آمده می‌توان گفت که طبیعتاً در خانواده‌هایی که آرمان و اهداف اعضا مشخص بوده و هر یک از اعضا درصدند یکدیگر را

در دستیابی به اهداف یاری نمایند ایجاد حس مسئولیت در آنان تقویت شده و لذا این شرایط در سایر رخدادهای زندگی نیز به نوعی شکل می‌گیرند. همچین نظم، انضباط، رعایت اصول و قواعد خانه و خانواده که در قالب سازماندهی در کارکردهای خانواده تعریف می‌شود می‌تواند در ایجاد حس مسؤلیت در فرزندان برای زندگی آینده مثمرثمر باشد که این امر در نتایج یافته‌های پژوهش پیش رو نیز مورد تایید قرار می‌گیرد. و در اخر، در اولویت قرار گرفتن مذهب در محیط خانه و تربیت فرزندان نیز به سبب این که مذهب (که در این پژوهش اسلام مدنظر بوده است) بر رعایت وفای به عهد و مسئول بودن در قبال آن چه به دوش افراد است تاکید دارد می‌تواند این حس را در افراد تقویت نماید و از این رو در پرورش حس مسؤلیت‌پذیری دانش‌آموزان تاثیرگذار خواهد یود. البته در این زمینه نیازمند پژوهش بیشتری هست تا نتایج قدرت تعمیم‌پذیری بیشتری داشته باشد.

نتایج یافته‌های این فرضیه با یافته‌های برزونسکی (۲۰۰۷)، استمس و همکاران (۲۰۰۶)، سارتور و یونیس (۲۰۰۲)، سفیری و چشمه (۱۳۹۰)، میرزاجانی (۱۳۸۶)، شریفی و همکاران(۱۳۸۴) و کاظمی خوبان و همکاران (۱۳۹۵) همسو می‌باشد.

با توجه به این که آموزش و پرورش در ارتباط مداوم و مستمر با والدین دانش‌آموزان قرار دارد پیشنهاد می‌شود با برگزاری کلاسهای آموزش خانواده و آگاه ساختن والدین به این مسائل و آموزش به آنان برای برقراری رابطه بهتر با فرزند نوجوان خود در ایجاد هویت سالم دانش‌آموزان گام موثر و مثبتی بردارد.

از طرفی نیز می‌توان به بهبود تعامل میان فرزند با سایر اعضای خانواده شامل برادران و خواهران اشاره کرد که اگر این تعاملات با شرایط بهتری رخ دهد و نوجوان در محیط خانه احساس امنیت و آرامش داشته باشد در نهایت می‌تواند به مسئولیت‌ها و وظایف خود به نحو مطلوب‌تری عمل نماید. البته در این راستا نقش رسانه‌های نیز نباید نادیده گرفته شود و همراهی آنان با آموزش وپرورش و انجام اقدامانی همسو با یکدیگر می‌تواند در هویت موفق دانش‌آموزان نقش مهمی ایفا کند.

براساس نتایج بدست آمده میان متغیرهای عملکرد خانواده و سبک‌های هویت رابطه معناداری وجود دارد. در تبیین نتایج بدست آمده می‌توان گفت که سبکهای هویتی فرزندان که در بستر خانواده و از دوران نوجوانی شکل می‌گیرد می‌تواند در مسئولیت‌پذیربودن آنان موثر باشد.

از آنجا که در پژوهش حاضر پرسشنامه‌ها را می-بایستی دانش‌آموزان تکمیل نمایند، به همین جهت دانش‌آموزان در تکمیل پرسشنامه‌های مربوطه در مواردی و تا حدودی بازداری می‌نمودند. اگر چه پژوهشگر قبل از توزیع پرسشنامه‌ها در ارتباط با محرمانه بودن آن توضیحاتی ارائه نمود اما در پایان برخی از پرسشنامه‌ها ناتمام بوده و به ناچار آن‌ها از تجزیه و تحلیل داده‌ها حذف شدند.

با توجه به آن که پژوهش حاضر در مقطع دبیرستان صورت گرفته و هنوز در این مقطع هویت افراد کامل شکل نگرفته است توصیه می‌گردد پژوهش‌های آتی در دامنه سنی بالاتری که هویت به طور کامل شکل گرفته و از ثبات نسبی برخوردار می‌باشد، انجام پذیرد.

References

Ahadi, H. & Jomehri, F. (2016). Developmental Psychology (Adolescence, Adulthhood), *Qom Publications bright future.*

Berzonsky, M. D. (2007). Identity-processing styles psychological pesources and Adolescents perception of parent. *Adolescent relations*.

Bloom, B. L. (1985). A factor analysis of self-report measures of family functioning. *Journal of family Process, 24(2), 225-239.*

Bakhshani, M. Lashkaripour, K. and Hussein, M. (2008). The prevalence of risk behaviors related to intentional and unintentional injuries among high school students of Sistan and Baluchestan. *Physician East, 9, 3, 199-208.*

Emadi, A. (2014). Standardization, Determination of validity and reliability Blooms Family Functioning Among married men and women. Master's thesis, *Science and Research Khomein.*.

Erikson, E. H. (1963). Childhood and society (2 ed). *New York: Norton & Company.INC.*

Gool mohammadi, A. (1382). Globalization of culture and identity, Tehran: Nei Publishing.

Ghazanfari, A. (2005). Validity and reliability of Identity Style Inventory. *Journal of Education and Psychology, Firdausi University of Mashhad .*

Kazemi Khooban, S. Z, Hakami, M.; Seyrafi, M. R. (2016). Prediction of Responsibility based on identity orientation and family function in adolescents. *Journal of Social Psychology Research. Sixth year. 21. Pages 90-77.*

Kordlou, B (2009). Factors affecting high school students at home and school accountability. *Journal of Psychology and Educational Sciences, school growth, Issue 13, pages 4 to 11.*

Kroger, I. (2000). Identity deveiopment: a dolescence through adulthood. *Journal of personality. 31, 75, 2.*

Marcia, J.E.(1966). Development and validation of ego identity status, *Journal of personality and social psychology, 3, 551-558.*

Mirza Jani, Z. (2008). Relationship between Family Functioning and identity styles in high school third grade students in the academic year 86-85 Saveh city. *Master's thesis, University martyr Beheshti.*.

Najmi, B & Nasiri, M. (2009). Its family functioning and psychological characteristics of boys and girls. *Journal - Research in Medical Sciences. Sixth year. Issue 4 Page 299-297.*

Papalya, D. A. *Developmental psychology and human development*. Translation Quhistani et al (2016). Tehran: growth.

Prochaska, J. & Nora Krauss, J (2012). *Theory of psychotherapy*. Translation Syed Mohammad, Tehran: growth.

Reber, J.E. (2000). Identity formation. Identity crisis and personality. *Journal of personality, 37, 319-338.*

Safiri, Kh. Chashmeh, A. (2012). Teenager's responsibility and its relations with socialization in the family. Journal of Sociology of Education, No. 1, winter 1390, Page 130-120.

Saif, A. (2003). *Theories of Family Growth*, Tehran. University of Al-Zahra

Satyr, and (2010). *Making human*, the translated by Birashk Tehran: Growth

Sartor, C. E.; & Youniss, J. (2002). The relationship between positive parental involvement and identity achievement during adolescence, *Adolescence*, 37, 221-234

Schwartz J, Mason C, Pantin H. & Szapocznik J. (2009) Longitudinal relationships between family functioning and identity development in Hispanic

adolescents. *Journal of Early Adolescence, 2009, 29, 177-211.*

Schwartz S. Zamboanga B. Weisskirch R. & Wang C. (2010). The relationships of personal and cultural identity to adaptive and maladaptive psychosocial functioning in emerging adults. *Journal of Social Psychology, 2010, 150(1), 1-33.*

Stams G. J, Brugman D, Dekocic M, Van Rosmeln L, Vanderlan P, Gibbs Jc. (2006) *the moral judgment* of, uvenile delineruents: a meta –anulysis. facmlty of social and Behavioral science, university of amesterdam, M, Department of Education, P. o. Box 94208,1090 GE, Amsterdam,the Netherlands. G. J. J. M. stams@ uVa. n1. j Abnorm children psychol

Schultz and Schultz (2014). *Personality theory*, translation Yousef Karimi. Tehran Arasbaran publication.

Sharifi, K & Arizi, HR (2006). The relationship between family functioning and hardiness in students. *Journal of Shahed University. VOL. Number 10.page 85-94 .*